

# جایگاه آفریقا در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران

## براساس سند چشم‌انداز

### (ارائه راهکارها براساس ماتریس SWOT)

دکتر احمد بخشی

استادیار مرکز مطالعات آفریقا- دانشگاه تربیت مدرس  
E-Mail: bakhsh\_a@modares.ac.ir

#### چکیده

در تنظیم راهبرد سیاست خارجی، درک و تبیین صحیح و کامل قدرت و توان ملی، به‌ویژه در بعد سیاست خارجی، مقتضیات و ویژگی‌های محیط خارجی و قاعده و الگوی حاکم بر محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، شناخت فرصت‌ها، آسیب‌پذیری‌های محیطی و تهدیدهای موجود و بسیاری عوامل دیگر، اهمیت دارند.

هدف از این تحقیق، شناخت جایگاه آفریقا در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله است و سعی شده ضمن اشاره به روابط تاریخی ایران با این قاره و بررسی وضعیت موجود، با استفاده از ماتریس SWOT (قوت، ضعف، فرصت و تهدید)، قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران در قاره آفریقا بررسی و از این طریق، راهکارهایی به سیاستگذاران عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ارائه شود. با اجرایی شدن این راهکارها؛ آفریقا جایگاه واقعی خود را در روابط خارجی جمهوری اسلامی پیدا می‌کند و در پی آن، بخشی از سند چشم‌انداز که به روابط خارجی وابسته است، محقق می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** آفریقا، ایران، سند چشم‌انداز، ماتریس SWOT، روابط خارجی.

### مقدمه

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی با توجه به ضرورت‌ها و الزام‌های ناشی از آرمان‌های قانون اساسی، تحولات بین‌المللی و ساختارهای فضای نوین اقتصادی در جهان، تحولات علمی و فناوری‌های جدید و بهره‌گیری از تجربیات و واقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود کشور در سال ۱۳۸۲ تهیه شد که براساس آن، جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز، چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

۱. توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی؛
۲. برخوردار از دانش پیشرفته، توانا و تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی؛
۳. امن، مستقل، مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت؛
۴. برخوردار از سلامت، رفاه و امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب؛
۵. فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن؛
۶. دست‌یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه)، با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل؛
۷. الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام، با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای براساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره)؛
۸. دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت. (تارنمای مجمع تشخیص مصلحت نظام/ چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران در [www.maslahat.ir](http://www.maslahat.ir))

در ابلاغیه سند آمده است که چشم‌انداز بیست‌ساله مبنای سیاست‌های کلی چهاربرنامه پنج‌ساله آینده است و مهم‌ترین راهکارهای حوزه سیاست خارجی چنین تبیین شده است: در ماده ۱۸۶ برنامه چهارم توسعه آمده است که وزارت امور خارجه موظف است با بهره‌گیری از نظرات کلیه دستگاه‌های ذی‌ربط، راهبردهای مناسب را برای اجرای دقیق سیاست‌های کلی ذیل تهیه و جهت تصویب در سال اول برنامه سوم به شورای عالی امنیت ملی ارائه کند:

۱. گسترش همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی؛
۲. ادامه پرهیز از تشنج در روابط با کشورهای غیرمتخاصم؛
۳. بهره‌گیری از روابط برای افزایش توان ملی؛
۴. مقابله با افزونخواهی کشورهای متخاصم؛
۵. تلاش برای رهایی از حضور بیگانگان؛
۶. مقابله با تک‌قطبی شدن جهان؛
۷. حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم؛
۸. تلاش برای ایجاد نزدیکی بیشتر میان کشورهای اسلامی؛
۹. تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل؛
۱۰. بهره‌گیری از روابط سیاسی با کشورها برای نهادینه کردن روابط اقتصادی، افزایش جذب منابع و سرمایه‌گذاری خارجی و فناوری پیشرفته، گسترش بازارهای صادراتی ایران و افزایش سهم ایران از تجارت جهانی و رشد پرشتاب اقتصادی مورد نظر در چشم‌انداز؛
۱۱. تحکیم روابط با جهان اسلام، ارائه تصویر روشن از انقلاب اسلامی، تبیین دستاوردها و تجربیات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی و معرفی فرهنگ غنی و هنر و تمدن ایرانی و مردم‌سالاری دینی؛
۱۲. تلاش برای تبدیل مجموع کشورهای اسلامی و دوست منطقه، به یک قطب منطقه‌ای اقتصادی، علمی، فناوری و صنعتی؛
۱۳. تقویت و تسهیل حضور فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مجامع جهانی و سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی؛
۱۴. تقویت هویت اسلامی و ایرانی ایرانیان خارج از کشور، کمک به ترویج زبان فارسی در میان آنان، حمایت از حقوق آنان و تسهیل مشارکت آنان در توسعه ملی. (تارنمای وزارت امور اقتصادی و دارایی، قانون برنامه چهارم توسعه در [www.mefa.gov.ir](http://www.mefa.gov.ir))

همچنین براساس ماده ۱۲۷ قانون برنامه توسعه چهارم، وزارت امور خارجه مکلف است به منظور پیشبرد سیاست خارجی کشور و در چارچوب حفظ و توسعه منافع ملی، اقدام‌های زیر را انجام دهد:

الف) تنظیم و اعطای کمک‌های توسعه‌ای رسمی به کشورهای هدف به منظور ایجاد بازار برای کالاهای ایرانی و صدور خدمات فنی و مهندسی در چارچوب قوانین بودجه‌های سالانه؛

ب) هماهنگی بخش‌های بین‌المللی کلیه دستگاه‌های اجرایی به منظور پیشبرد اهداف سیاست خارجی کشور در چارچوب آیین‌نامه‌ای که به‌همین منظور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید. (همان)

**عملیاتی کردن سند چشم‌انداز: فرصت‌ها و تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران**  
از آنجا که هدف نهایی سند چشم‌انداز، تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه‌ای است، راهبرد سیاست خارجی بایستی راه‌های برتری منطقه‌ای و رفع موانع و معضلات محیطی را برطرف کند؛ از این‌رو، ضروری است موارد زیر لحاظ شود:

۱. تثبیت موقعیت و برتری منطقه‌ای و داشتن نقش تعیین‌کنندگی در الگوی قدرت و امنیت در سطح منطقه و ایجاد و حفظ تعامل مثبت، سازنده و مؤثر با تهدیدها و موانع.

۲. در منطقه آسیای جنوب غربی و خاورمیانه قدرت‌های هم‌وزن منطقه‌ای، مانند رژیم اشغالگر فلسطین، ترکیه، عربستان و مصر وجود دارند که این خود نیازمند نیم‌نگاهی به برنامه‌ها و سیاست‌های این کشورهاست.

۳. تعارض جمهوری اسلامی با ایالات متحده موجب بی‌ثباتی در برقراری روابط با کشورهای منطقه و جهان شده؛ بنابراین، لازم است جمهوری اسلامی تعارض‌ها و چالش‌های خود را با ایالات متحده مدیریت کند تا برقراری تعامل سازنده و مؤثر در روابط خارجی میسر گردد. این در حالی است که جمهوری اسلامی با تمام کشورهای جهان، به‌جز رژیم صهیونیستی مشکل ساختاری در روابط خارجی ندارد (اکبری، ۱۳۸۶: ۲).

۴. جمهوری اسلامی در تمام زمینه‌های ژئوپلیتیک، ژئواستراتژی و اقتصادی، مزایای فراوان موقعیتی در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه دارد.

۵. جمهوری اسلامی تمایزات مذهبی، نژادی، قومی، فرهنگی و تمدنی با بسیاری از کشورهای منطقه دارد که این کشور را در انزوای استراتژیک قرار داده است.

۶. جمهوری اسلامی در منطقه‌ای قرار دارد که با چالش‌هایی، مانند توسعه اقتصادی و اجتماعی، امنیت داخلی و منطقه‌ای، وابستگی بسیاری از کشورها به قدرت‌های بزرگ جهانی، رقابت‌های خارجی برای کسب منافع اقتصادی و... مواجه است.

حال با توجه به اهداف سند چشم‌انداز و موانع موجود و همچنین وظایف نهادهای برای عملیاتی کردن این سند، جایگاه آفریقا، در روابط خارجی ج.ا.ا براساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

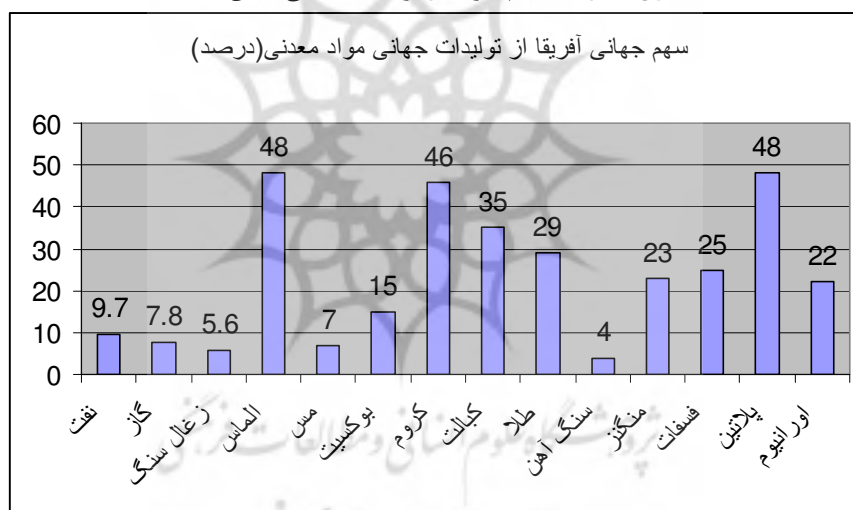
### اهمیت آفریقا

براساس شواهد و گزارش‌های رسمی سازمان‌های بین‌المللی، قاره آفریقا دارای استعداد بالقوه چشمگیری برای فعالیت‌های اقتصادی است که برای برخی از کشورها، به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران، آن‌گونه که ضرورت دارد، شناخته شده نیست. وجود ۱۸۷ میلیون هکتار زمین قابل کشت، ۱۵ درصد از جنگل‌های جهان و ۲۵ درصد از مراتع دنیا در این قاره، مؤید این گفتار است. این قاره از نظر مساحت و جمعیت، دومین قاره بزرگ جهان پس از آسیاست و با جمعیتی حدود ۹۰۰ میلیون نفر، یک‌هفتم از جمعیت جهان را در خود جای داده است. این قاره دارای بالاترین بازگشت سرمایه در جهان می‌باشد؛ این میزان چهار برابر کشورهای گروه هشت، دو برابر کشورهای قاره آسیا و دوسوم بیشتر از کشورهای آمریکای لاتین است (Strategic plan, 2004: 6-8).

آفریقا از قرن‌ها پیش به‌دلیل دارا بودن منابع معدنی غنی و بکر مورد توجه اروپاییان بوده است. در سال‌های اخیر، این موضوع اهمیت بیشتری پیدا کرده است. قسمت اعظم تولیدات معدنی به خارج، به‌خصوص اروپا و آمریکا صادر می‌شود. عمده‌ترین مواد معدنی آفریقا عبارت‌اند از: فلزات و سنگ‌های قیمتی، آلیاژهای آهن، مس و قلع، فسفات و... این قاره ۴۸ درصد الماس و پلاتینیوم، ۴۶ درصد کروم، ۳۵ درصد کبالت، ۲۹ درصد طلا، ۲۵ درصد فسفات، ۲۲ درصد اورانیوم و ۲۳ درصد منگنز جهان را دارا می‌باشد. مناطق عمده تولیدات معدنی عبارت‌اند از: کنگو، زیمبابوه، آفریقای جنوبی، کشورهای جنوب آفریقا، سواحل گینه، آفریقای غربی، مغرب، الجزایر و تونس. مواد معدنی استخراج‌شده در آفریقای غربی نیز از این قرار است: منگنز، طلا، الماس، قلع و نفت در نیجریه، سنگ آهن در سیرالئون و لیبیا. این منطقه دارای ذخایر وسیعی از بوکسیت

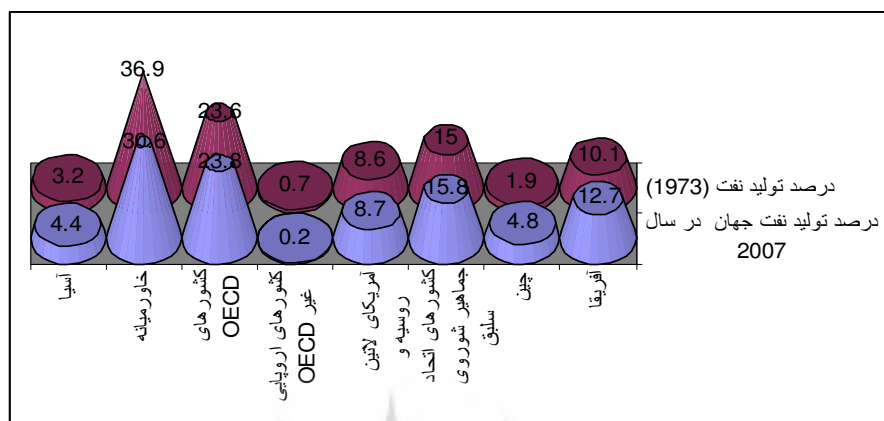
است. در شمال غرب آفریقا دو ماده معدنی مهم فسفات و سنگ آهن وجود دارد. ذخایر هر دو ماده معدنی در مغرب، صحرا، الجزایر و تونس قرار دارد. در دهه‌های اخیر، استخراج نفت نیز به تولیدات معدنی آفریقا اضافه شده است و لیبی، الجزایر، نیجریه و آنگولا از تولیدکنندگان عمده نفت به‌شمار می‌آیند (مشیری، ۱۳۸۱: ۱۹۳). طبق برآوردها، سهم آفریقا از نفت جهانی در سال‌های اخیر به ۹/۷ درصد رسیده است (De Villiers, 2008: 83 8/93) این رقم طبق آمار بریتیش پترولیوم ۱۲/۷ درصد می‌باشد (نک به نمودارهای زیر) ۶۰ درصد نیروی کار آفریقا در بخش کشاورزی مشغول به کار می‌باشند و مهم‌ترین محصولات کشاورزی این قاره عبارت‌اند از: قهوه، پنبه، کاکائو، نیشکر، ذرت و ... .

جدول شماره ۱: سهم آفریقا از تولیدات معدنی جهان



(De Villiers, 2008: 93)

جدول شماره ۲: برآورد ذخایر نفتی جهان براساس پیش بینی بریتیش پترولیوم



منبع: BP statistical review of world energy, 2007

پس از فروپاشی جنگ سرد، به اهمیت ژئواکونومیک این قاره افزوده شد و توجه بسیاری از کشورهای صنعتی آمریکایی، اروپایی و آسیایی، به ویژه چین، کانادا و ژاپن به منابع معدنی غنی و تمام‌نشدنی این قاره و سرمایه‌گذاری در آن معطوف شد. رهبران و کارگزاران آفریقایی نیز در شرایطی که کشورهای خارجی و محیط بین‌الملل به آن‌ها فشارهایی را تحمیل می‌کردند، درصدد چاره‌اندیشی برآمدند؛ برای مثال رهبران بسیاری از کشورها با اجرای طرح‌هایی درصدد همگرایی منطقه و توسعه قاره برآمدند که «اتحادیه آفریقا»<sup>۱</sup> و «طرح مشارکت نوین برای آفریقا»<sup>۲</sup> دو نمونه از این طرح‌هاست.

### ۱. اتحادیه آفریقا

پس از استقلال نامیبیا و پایان عصر آپارتاید، فلسفه وجودی سازمان وحدت آفریقا که در ۲۵ می ۱۹۶۳م. برای تلاش به دستیابی قاره به استقلال به‌وجود آمده بود، تاحدی کمرنگ شد. پس از استقلال؛ تمام واحدهای سیاسی قاره، کم‌کم تلاش‌هایی برای تحقق اهداف دیگر (مانند توسعه) - که پیش از این مغفول مانده بود- در پیش گرفتند. اتحادیه آفریقا در نتیجه مذاکرات طولانی، بالاخره در ۲۰۰۱ م. تشکیل شد. هدف از این تغییرات، رهایی از ویژگی دولت‌محوری، افزایش مشارکت مدنی، کاهش منازعات و ارائه

1 . African Union  
2 . NEPAD

راه‌حل‌های توسعه بود که یک سازمان کاملاً سیاسی، مانند سازمان وحدت آفریقا، توانایی پرداختن به این مسائل را نداشت. با ایجاد اتحادیه، ارکانی برای آن تعریف شد که تقریباً در آن، به اهداف توسعه و امنیت به‌خوبی توجه شده است. برای این نهاد هفده رکن اصلی و فرعی تعریف شده است که تاکنون بسیاری از آن‌ها، مانند مجلس آفریقایی، شورای صلح و امنیت، طرح ایجاد حکومت مطلوب و... شکل گرفته‌اند (بخشی، ۱۳۸۱ ب: ۷).

## ۲. مشارکت نوین برای توسعه آفریقا

این طرح در سال ۲۰۰۱ م. براساس دغدغه کارگزاران آفریقایی برای نیل به توسعه و به ابتکار رهبران کشورهای آفریقایی جنوبی نیجریه، سنگال، الجزایر و مصر شکل گرفت. در این طرح، ساختارهایی در نظر گرفته شده است که می‌تواند به توسعه پایدار و مشارکت در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی بینجامد. در این طرح به مشکلات قاره آفریقا در تمام ابعاد اشاره و نیز راه‌حلهایی برای توسعه آفریقا ارائه شده است. مهم‌ترین اهداف این طرح بدین شرح است:

۱. تأکید مؤثر بر روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در آفریقا و جهان؛
۲. کاهش جمعیت فقیر به نصف تا سال ۲۰۱۵ م.؛
۳. دستیابی به میزان متوسط ۷ درصد در سال در یک دوره هفت‌ساله و حفظ آن؛
۴. بازسازی و حفظ ثبات اقتصاد کلان؛
۵. گسترش و حفظ مردم‌سالاری و حقوق بشر و حکومت مطلوب در کشورها؛
۶. به‌کارگیری منابع انسانی و طبیعی این قاره برای زندگی بهتر؛
۷. حذف عوامل منازعه و خشونت و تقویت صلح، امنیت و ثبات در قاره؛
۸. دفاع از حاکمیت و همبستگی سرزمین و استقلال کشورها؛
۹. تقویت صادرات کالا و ارتقای بخش خصوصی؛
۱۰. همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی (NEPAD, 2001).

## نقش آفریقا در سازمان‌های بین‌المللی

حضور و مشارکت قاره آفریقا در سازمان‌های بین‌المللی چشمگیر است؛ به‌طوری که بسیاری از کشورها، هدف از برقراری روابط با کشورهای این قاره را استفاده از حق رأی آنان در سازمان و مجامع بین‌المللی می‌دانند؛ برای مثال عضویت تمام کشورهای آفریقا



در سازمان ملل، باعث شده این قاره حدود یک‌سوم آرای مجمع عمومی سازمان ملل را داشته باشد که بسیار تأثیرگذار است. علاوه بر این، حضور کشورهای قاره در ارکان این سازمان نیز چشمگیر می‌باشد؛ برای مثال در شورای امنیت از ده عضو غیردائم پنج عضو از کشورهای آسیایی و آفریقایی است. (لازم به ذکر است که اتحادیه آفریقا طرحی به مجمع عمومی سازمان ملل پیشنهاد کرده است مبنی بر اینکه این قاره در بازنگری شورا، دارای دو عضو دائم و پنج عضو غیردائم باشد). همچنین از بین هفت دبیرکل که تاکنون برای سازمان ملل انتخاب شده‌اند، دو نفر تابعیت آفریقایی دارند: پطروس غالی (تابعیت مصر) و کوفی عنان (تابعیت غنا).

در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل که ۵۴ عضو دارد، چهارده عضو از بین کشورهای آفریقایی انتخاب شده است. این شورا یک هیئت منطقه‌ای با عنوان کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای آفریقا را در سال ۱۹۵۸ م. به‌منظور کمک به ارتقای توسعه اقتصادی و اجتماعی، تحکیم روابط اقتصادی کشورهای آفریقایی با همدیگر و دیگر کشورهای جهان و تشویق سیاست‌های توسعه همکاری تشکیل داد (بخشی، ۱۳۸۱ الف: ۸). همچنین مقر دو نهاد سازمان ملل در نایروبی (کنیا) واقع شده است:

### ۱. برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد

این برنامه از سال ۱۹۷۲ م. با هزینه صندوق محیط زیست به فعالیت خود ادامه می‌دهد. هدف این برنامه، کمک به حفظ منابع زیستی و جلوگیری از آلودگی محیط زیست است. این برنامه عمدتاً به ارتقای همکاری، گسترش حقوق بین‌المللی، بهبود کارکرد ابزارها در سازمان‌دهی محیط زیست می‌پردازد.

### ۲. مرکز سکونت‌گاه‌های انسانی سازمان ملل متحد

این مرکز که در سال ۱۹۷۸ م. تأسیس شد، محل تلاقی فعالیت‌های سازمان ملل در مورد توسعه سکونتگاه‌های انسانی است و از رهگذر برنامه‌های پژوهشی، آموزشی، همکاری‌های فنی و اطلاعاتی که در درجه اول به گروه‌های اجتماعی کم‌درآمد در کشورهای رو به رشد اختصاص یافته است، برای بهبود وضع مسکن اشخاص تهیدست تلاش می‌کند. این مرکز برای تشویق افراد به داشتن سرپناه و بهبود وضع مسکن،

سیاست‌های فضایی، سازمانی و آیین‌نامه‌ای را از رهگذر دولت‌ها دنبال می‌کند (بخشی، ۱۳۸۱ الف: ۳۲).

علاوه بر حضور آفریقا در سازمان‌های بین‌المللی، عضویت این کشورها در سازمان‌های فرامنطقه‌ای، مانند سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی، جنبش عدم تعهد، اتحادیه بین‌المجالس و... چشمگیر است. کشورهای آفریقایی در روند همگرایی منطقه‌ای سابقه طولانی دارند که می‌توان به تأسیس بسیاری از سازمان‌های منطقه‌ای در دوره استعمار اشاره کرد. پس از استعمار، روند شکل‌گیری سازمان‌ها سرعت بیشتری به خود گرفت؛ به طوری که در سال ۱۹۹۰ م. از ۳۸۰ سازمان ثبت‌شده منطقه‌ای، ۷۷ سازمان به کشورهای آفریقایی تعلق داشت که مهم‌ترین این سازمان‌ها از این قرار است: سازمان وحدت آفریقا (که در سال ۲۰۰۱ م. به اتحادیه آفریقا تغییر یافت)؛ جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا<sup>۱</sup>؛ جامعه توسعه جنوب آفریقا<sup>۲</sup>؛ اتحادیه مغرب عربی<sup>۳</sup>؛ بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا<sup>۴</sup>؛ اداره توسعه بین‌الملل<sup>۵</sup>.

### روابط خارجی ایران و قاره آفریقا

روابط خارجی ایران با قاره آفریقا، از پیشینه تاریخی خوبی برخوردار است. این سابقه را می‌توان در زمان هخامنشیان و در مصر ردیابی کرد. موج دوم روابط ایرانیان با آفریقا، بیشتر به شرق این قاره و به‌ویژه مهاجرت منظم و منسجم شیرازی‌ها به این منطقه برمی‌گردد. شیرازی‌ها توانستند تاریخ این منطقه را به‌طور عمیق تحت تأثیر خود قرار دهند و به تدریج دامنه فعالیت خود را گسترش داده، کیلوا را به مرکز حکومت خود تبدیل کنند. آنان جزیره زنگبار و شهرهای دیگر را نیز گسترش دادند و حکومت‌هایی نیز در کومور و موزامبیک ایجاد کردند. شیرازی‌ها با ثروت به‌دست آمده از تجارت بین مناطق شرق آفریقا با دیگر مناطق جهان، به تدریج به ساخت تجهیزات بندری، مانند اسکله، ساختمان‌های اداری، انبار و مراکز تجاری دست زدند. در دوره قاجار نیز روابط ایران با آفریقا، از طریق کنسولگری ایران در مصر برقرار بود. در دوره پهلوی و به‌ویژه پس از استقلال کشورهای آفریقایی، تصمیم گرفته شد تا با ایجاد سفارتخانه در بعضی

1. ECOWAS
2. SADC
3. AMU
4. COMESA
5. IGAD

کشورها، روابط خارجی با این قاره برقرار شود؛ اما این روابط به دلیل مسائل ایدئولوژیک و روابط شخصی پهلوی دوم گسترش چندانی نیافت. در این زمان، ایران تنها در نه کشور از این قاره دارای نمایندگی سیاسی بود که در این میان فقط آفریقای جنوبی به دلیل ویژگی‌های خاص خود روابط پررونقی با رژیم پهلوی داشت.

در دوره پهلوی، برقراری و بسط روابط سیاسی با کشورهای آفریقایی در سیاست خارجی ایران فاقد تقدم بود. مطالعه برقراری روابط با کشورهای آفریقایی در وزارت امور خارجه از اوایل سال ۱۳۴۳ ه. ش. شروع شد، سپس در مرداد همان سال هیئت‌های حسن دوستی به کشورهای آفریقایی اتیوپی، کنیا، تانزانیا، اوگاندا، ساحل عاج، نیجریه و سنگال اعزام شدند. در آذر ۱۳۴۸ ه. ش. اداره ششم وزارت امور خارجه به مدیر کل سیاسی وقت پیشنهاد کرد در کنیا و تانزانیا از کشورهای آنگولوفون در شرق و کشورهای ساحل عاج و سنگال از کشورهای فرانگوفون در غرب آفریقا نمایندگی تأسیس و کمبود نیرو و حضور کشور در مرکز آفریقا را از طریق این نمایندگی‌ها تأمین کند. (بخشی، ۱۳۸۷: ۳۶)

رژیم‌های سلطنتی ایران به دلیل همسویی قدرت‌های سلطه‌جو در جهان، روابط گسترده‌ای با کشورهای آفریقایی نداشتند و چنانکه گفته شد آفریقای جنوبی به دلیل ویژگی‌های خاص خود روابط پرباری با رژیم پهلوی داشت. در این دوران، مجموعه معاهدات منعقدشده بین ایران و کشورهای آفریقایی شصت معاهده بود؛ در حالی که در همین مدت، تنها با شوروی ۸۵ معاهده منعقد شده بود. به عبارت دیگر، تعداد معاهدات منعقد شده با شوروی از کل معاهدات با آفریقا بیشتر بود. در کنار علایق شخصی سران کشورهای آفریقایی و رهبران ایران، در پاره‌ای موارد، اهمیت استراتژیک، اقتصادی و فرهنگی برخی کشورهای آفریقایی نیز در گسترش روابط ایران با این کشورها مؤثر بود. رژیم پهلوی اولویت خود را در ایجاد روابط سیاسی و اقتصادی با آفریقا، کشورهای شمال آن قاره قرار داد و بعد با آفریقای سیاه وارد روابط و مراودات شد. آغاز روابط سیاسی رژیم پهلوی با آفریقا با منطق یادشده در این سال‌ها بود: مصر ۱۳۰۰ ه. ش. تونس ۱۳۳۶ ه. ش. مغرب ۱۳۳۶ ه. ش. الجزایر ۱۳۴۳ ه. ش. و سودان ۱۳۵۱ ه. ش. اهمیت خاورمیانه و نقشی که این منطقه در امنیت اروپا داشته، علت اصلی اولویت ایران در برقراری روابط سیاسی با این کشورها در میان کشورهای آفریقایی بود. به هر حال، از یک سو، نقش ژاندارمی که شاه در منطقه خلیج فارس از سوی آمریکایی‌ها برعهده داشت و از سوی دیگر، برقراری روابط با رژیم اشغالگر قدس و حمایت از آن و

همچنین به منظور تحقق استراتژی غرب برای جلوگیری از گسترش نفوذ شوروی در منطقه، ضروری بود که ارتباط و از این طریق تعامل با کشورهای خاورمیانه، از جمله شمال آفریقا را در برنامه داشته باشد. رژیم پهلوی با افزایش نقش و نفوذ خود در خاورمیانه و مطرح شدن ایران در مقام قدرت منطقه‌ای و با افزایش چشمگیر درآمدهای نفتی در دهه ۵۰ شمسی، ارتباط با کشورهای آفریقای سیاه را نیز در دستور کار خود قرار داد؛ از جمله اتیوپی ۱۳۴۰ ه. ش، آفریقای جنوبی ۱۳۴۹ ه. ش، سنگال ۱۳۵۰ ه. ش، کنیا ۱۳۵۰ ه. ش، سومالی ۱۳۵۱ ه. ش، زئیر ۱۳۵۱ ه. ش، نیجریه ۱۳۵۲ ه. ش، غنا ۱۳۵۳ ه. ش، گابن ۱۳۵۵ ه. ش و ساحل عاج ۱۳۵۷ ه. ش.

همان‌طور که ذکر شد قاره آفریقا در مجموع، جایگاه مهمی در سیاست خارجی حکومت پهلوی نداشت و تنها برخی کشورهای این قاره به دلیل انگیزه‌های ذکر شده، در مقاطع معینی روابط صمیمانه‌ای با دولت ایران داشتند و شاید بتوان گفت دوران پهلوی دوران فترت سیاست خارجی ایران در قبال آفریقا بوده است (پاک‌آیین، ۱۳۷۷: ۷۳).

پس از انقلاب ۱۳۵۷ ه. ش. در ایران، گفتمان انقلابی مبتنی بر صدور انقلاب اسلامی و جهانی کردن حکومت اسلامی در کشور حاکم شد. این گفتمان انقلابی - اسلامی حاکمان جدید، باعث گسستی بنیادین در دکتترین سیاست خارجی ایران شد. سیاست خارجی ایران درصدد ایجاد جایگزین سومی در صحنه جهان آن روز بود. سیاست خارجی جمهوری اسلامی، صحنه، برخورد و تعامل واقع‌گرایی و آرمانگرایی است. از یک سو، انقلاب اسلامی، انقلابی ایدئولوژیک می‌باشد و الزامات و اهداف مکتبی خود را به دنبال دارد و از سوی دیگر، ایران کشوری است همچون دیگر ملت - کشورها با محدودیت‌ها و فرصت‌های خاص خود. مقصد یک سیاست خارجی متکی بر ایدئولوژی، تأثیرگذاری بر محیط و در نهایت، تغییر آن مطابق آمال خویش است. قانون اساسی جمهوری اسلامی به روشنی اولویت‌های سیاست خارجی ایران را روشن کرده است؛ از این‌رو، چهار گروه از کشورها به ترتیب دارای اولویت هستند:

۱. همسایگان ایران؛
۲. کشورهای مسلمان؛
۳. کشورهای جهان سوم؛
۴. کشورهایی که به نوعی یکی از نیازهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و یا نظامی ایران را برطرف سازند.

مهم‌ترین منبع برای شناخت اهداف سیاست خارجی ایران، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که با توجه به آنچه در مقدمه و اصول آن آمده، می‌توان اهداف نظام و نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران را ذکر کرد. قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفان بر مستکبران بود، زمینه‌تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند (ان هذمه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون) و استمرار مبارزه برای نجات ملل محروم و ستمدیده در تمامی جهان قوام یابد. با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، قانون اساسی ضامن نفی هرگونه استبداد فکری، اجتماعی و انحصار اقتصادی است و در راه گسستن از سیستم استبداد و مردم‌سالاری تلاش می‌کند (و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت علیهم).

در اصل ۱۵۲ قانون اساسی آمده است: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمخرب استوار است.» در اصل ۱۵۴ نیز چنین آمده است: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین، در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.» (قانون اساسی، ۱۳۷۵).

مجموعه اصول حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ذیل سه عنوان کلی بدین شرح است:

۱. «تفوق حاکمیت ملی» در اعمال سیاست خارجی؛
  ۲. «ائتلاف و همزیستی بین‌المللی» که به برقراری روابط و همکاری کشورها با یکدیگر و راهکارهای اتحاد و همبستگی جهانی اشاره دارد؛
  ۳. «حمایت‌های انسان‌دوستانه» در سطح بین‌المللی.
- گفتنی است که ایران در جایگاه یکی از اعضای جامعه جهانی متعهد به اعمال چنین سیاست‌هایی است.

مجموع اهداف سیاست خارجی ایران با بررسی قانون اساسی شامل موارد زیر است:

۱. سعادت انسان در کل جامعه بشر؛
۲. ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی و طرد نظام سلطه در جهان و حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفان؛
۳. تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان، اتحاد ملل مسلمان و وحدت جهان اسلام و نیز دفاع از حقوق مسلمانان جهان؛
۴. نفی هرگونه ستمگری و ستمکشی و نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر؛
۵. استقلال کشور و طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب، حفظ تمامیت ارضی و نیز گریز از پیمان‌هایی که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصاد، فرهنگ و ارتش کشور شود؛
۶. روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب؛
۷. صداقت و وفای به عهد در معاهده‌ها.

با توجه به اولویت‌های قانون اساسی، یکی از مناطقی که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی جایگاه خاصی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پیدا کرد، قاره پهن‌آور آفریقا بود؛ این قاره به‌جز اینکه در رده مناطق و کشورهای همسایه قرار نداشت در اولویت‌های بعدی دارای بالاترین امتیاز در مقایسه با دیگر مناطق بود. بنابراین روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با کشورهای این قاره در اولویت‌های سیاست خارجی کشور قرار گرفت. از سوی دیگر، انقلاب اسلامی ایران به‌دلیل ماهیت و روح آزادیخواهی، استعمارستیزی و خدامحوری‌اش (قانون اساسی، ۱۳۷۵: مقدمه) به‌سرعت مورد توجه مردم کشورهای آفریقایی قرار گرفت و با کسب جایگاه ارزشمندی نزد ملت‌های آفریقایی، از وجهه و اعتبار خاصی برخوردار شد. سیاستگذاران جمهوری اسلامی ایران با توجه به آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی مندرج در قانون اساسی، برقراری روابط با کشورهای جهان سوم، از جمله ممالک آفریقایی را در صدر سیاست‌های خود قرار دادند (ولایتی، ۱۳۷۵: ۷۶).

اهداف و انگیزه‌های زیر باعث تحرک جدید ایران در آفریقا شد:

۱. معرفی اسلام به‌عنوان یک ایدئولوژی الهی و انقلابی که می‌تواند موجب کرامت انسان و پدیدآورنده استقلال و عدم‌وابستگی برای دولت‌ها باشد و معرفی انقلاب اسلامی به‌عنوان راه‌هایی از زیر یوغ استعمار و نژادپرستی؛

۲. مبارزه با حکومت نژادپرستی و حمایت از مبارزات ضدنژادپرستی مردم آفریقا، به‌ویژه جنوب این قاره؛

۳. تقویت همکاری‌های جنوب - جنوب در بین کشورهای غیرمتعهد، از جمله در کشورهای آفریقایی؛

۴. بهره‌برداری‌های بین‌المللی و استفاده از آرای کشورهای آفریقایی، به‌ویژه در دوران جنگ ایران و عراق؛

۵. معرفی اسلام به‌عنوان یک ایدئولوژی در این دوره: مردم ایران که نتیجه قرن‌ها مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی را با پیروزی انقلاب اسلامی کسب کرده بودند، درصد برآمدند اسلام را به‌عنوان ایدئولوژی انقلاب به جهان سوم، به‌ویژه آفریقا معرفی کنند؛

۶. ایجاد فضای حیاتی مناسب در برابر فشارهای غرب با انگیزه متنوع کردن مرکز همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... .

سیاست خارجی و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آفریقایی از ابتدای پیروزی انقلاب، بایست در چارچوب ساختار نظام دوقطبی و فضای حاکم بر دوران جنگ سرد در روابط بین‌الملل آن زمان و همچنین جنگ تحمیلی عراق علیه ایران ارزیابی و تحلیل کرد (گزارش عملکرد، ۱۳۸۶: ۲۱). از آنجا که قاره آفریقا در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌لحاظ دارا بودن سابقه استعمار و استثمار تاریخی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود، گسترش تعاملات سیاسی و همکاری جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آفریقایی در دستور کار دولتمردان جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. روابط سیاسی ایران با دول آفریقایی در این دوران، فضا و شرایط حاکم بر آن و تأکید بر نفی اتحاد با بلوک شرق و غرب بیشتر جنبه آرمانی داشته و برقراری و گسترش روابط سیاسی و حمایت از جنبش‌های آزادیبخش بیشتر در چارچوب روابط عدم تعهد تحلیل‌پذیر است. سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران در آفریقا به دو و نیم برابر قبل از انقلاب افزایش یافته و تعداد سفارتخانه‌های سیاسی آفریقایی مقیم تهران نیز از شش نمایندگی به هجده نمایندگی رسیده است.

از دیگر اقدامات و سیاست‌های جمهوری اسلامی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، می‌توان به موارد اشاره کرد: پذیرش طلاب آفریقایی برای آموزش دینی در ایران، فرستادن مدرسان معارف اسلامی به آفریقا، تأسیس مدارس علمیه در برخی کشورهای

آفریقایی، اجرای سیاست‌های بشردوستانه در قالب کمیته کمک به مستضعفان جهان، شروع فعالیت‌های انسان‌دوستانه در برخی کشورهای آفریقایی توسط جهاد سازندگی در جهت رفع محرومیت از جوامع آفریقایی و گسترش زبان فارسی، ایجاد درمانگاه‌های هلال احمر در سراسر قاره و... (نگاه کنید به جداول پیوست).

### جدول شماره ۳: سفارتخانه‌های ایران در قاره آفریقا

مالی - باماگو	زیمبابوه - حراره
نامیبیا - ویندوهک	سیرالئون - فری‌تاون
گابن - لیبرویل	نیجر - نیامی
گنا - اکرا	آفریقای جنوبی - پروتوریا
گینه - کوناکری	ساحل عاج - ابیجان
اوگاندا - کامپالا	ماداگاسکار - تاناناریو (سفیرترددی)
کنیا - نایروبی	سنگال - داکار
کنگو - کینشازا	تانزانیا - دارالسلام
نیجریه - ابوجا	الجزایر - الجزیره
لیبی - طرابلس	مصر - قاهره (دفتر حافظ منافع)
سودان - خارطوم	مراکش - رباط
تونس - تونس	اتیوپی - آدیس‌آبابا
گامبیا - بانجول (دفتر نمایندگی)	بورکینافاسو - واگادگو (سفیرترددی)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



جدول شماره ۴: سفارتخانه‌های کشورهای قاره آفریقا در تهران

مالی	زیمبابوه
آفریقای جنوبی	سیرالئون
گینه	ساحل عاج
اوگاندا	گامبیا
کنیا	سنگال
نیجریه	الجزایر
لیبی	مصر (دفتر حافظ منافع)
سودان	مراکش
تونس	کومور

جدول شماره ۵: نمایندگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (رایزن فرهنگی)

نام کشور	تاریخ اعزام رایزن فرهنگی	توضیحات
۱ آفریقای جنوبی	۱۳۷۳	
۲ اتیوپی	۱۳۶۷	
۳ الجزایر	۱۳۶۴	
۴ اوگاندا	۱۳۶۸	
۵ تانزانیا	۱۳۶۳	
۶ تونس	۱۳۸۲	
۷ زامبیا	۱۳۷۰	
۸ زیمبابوه	۱۳۶۴	
۹ سودان	۱۳۶۷	
۱۰ سیرالئون	۱۳۶۳	تعطیل در زمان جنگ داخلی
۱۱ غنا	۱۳۶۷	
۱۲ کنیا	۱۳۶۴	
۱۳ نیجریه	۱۳۶۲	
۱۴ مصر	۱۳۸۱	
۱۵ سنگال	۱۳۸۵	

جدول شماره ۶: فعالیت سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور (جامعه المصطفی العالمیه)

نام کشور	تنوع فعالیت	آغاز فعالیت
۱ اوگاندا	مدرسه	۱۳۷۵
۲ بنین	مدرسه حوزوی	۱۳۸۱
۳ بوركینافاسو	مدرسه حوزوی	۱۳۷۲
۴ تانزانيا	مدرسه حوزوی	۱۳۷۶
۵ تانزانيا	دانشکده حوزوی	۱۳۸۱
۶ ساحل عاج	مدرسه حوزوی	۱۳۷۳
۷ سنگال	مدرسه حوزوی	۱۳۸۱
۸ سيرالئون	مدرسه تلفیقی	۱۳۶۰
۹ غنا	دانشگاه اسلامی (جدید - شبانه‌روزی)	۱۳۷۹
۱۰ غنا	مدرسه تلفیقی	۱۳۷۲
۱۱ غنا	مدرسه حوزوی	۱۳۶۵
۱۲ کامرون	مدرسه حوزوی	۱۳۷۹
۱۳ کنگو	دانشکده علوم اسلامی	۱۳۷۸
۱۴ گینه کوناکری	دارالهدی	۱۳۷۱
۱۵ ماداگاسکار	مدرسه	۱۳۶۸
۱۶ مالاوی	مدرسه	۱۳۷۴
۱۷ مالی	مدرسه حوزوی	۱۳۷۲
۱۸ نیجر	مدرسه تلفیقی	۱۳۷۹
۱۹ نیجریه	مدرسه حوزوی	۱۳۷۱

لازم است ذکر شود بسیاری از این مدارس شعبه‌هایی نیز دارند. علاوه بر موارد یادشده، می‌توان از حضور نهادها و سازمان‌هایی، مانند جهاد کشاورزی (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۵)، هلال احمر، صدا و سیما، دانشگاه آزاد اسلامی، کمیته امداد امام خمینی و... در این قاره نام برد.

### روابط اقتصادی ایران و آفریقا

روابط خارجی جمهوری اسلامی و قاره آفریقا پس از انقلاب به علت مشکلاتی، مانند جنگ تحمیلی مغفول واقع شد؛ اما به تدریج از دهه ۱۹۹۰م. این روابط رو به گسترش نهاد. امکانات بالقوه آفریقا می تواند در آینده بخشی از نیازهای وارداتی جمهوری اسلامی ایران را تأمین کند. بسیاری از کالاهای مورد نیاز را می توان ارزان تر از مشابه آن خریداری کرد. این عمل روند صادرات را آسان تر می سازد. واردات چوب، کاغذ و خمیر کاغذ از گابن، گوشت گاو از بوتسوانا و اتیوپی، پنبه از مصر، تانزانیا، مالاوی، بروندي و رواندا، نخود، سیر، چای و قهوه از اوگاندا و کنیا و مواد شیمیایی و آهن آلات از آفریقای جنوبی می تواند مورد توجه واردکنندگان ایرانی باشد.

جهت گیری عمده اقتصادی دولت در برنامه های سوم و چهارم مبتنی بر صادرات غیرفنی و خدمات فنی و مهندسی است. دولت در این خصوص اقدامات زیر را انجام داده است:

۱. گشایش خطوط اعتباری؛
۲. اختصاص کمک های توسعه ای؛
۳. تشکیل شوراهای مشترک تجاری؛
۴. موافقت نامه های همکاری تجاری؛
۵. برپایی نمایشگاه ها؛
۶. کاهش گروه ریسک کشورهای آفریقایی بین دو تا سه گروه.

بدیهی است تجارت با آفریقا نیازمند پشتیبانی ترویجی و خدمات اطلاعاتی مرکز توسعه صادرات ایران، حمایت صندوق ضمانت صادرات، دریافت اطلاعات مناسب از نمایندگی های سیاسی و بازرگانی، ایجاد تسهیلات هواپیمایی و کشتیرانی و حمایت های مشابه است. نقش رسانه های جمعی برای معرفی واقعیات آفریقا و اعزام هیئت های تحقیقاتی برای مطالعه بازار این قاره در تحقق هدف های سیاست خارجی ایران بسیار مهم است.

در این برهه، نقش کشورهای آفریقایی در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران افزایش یافته و تعیین یک راهبرد عملی و درازمدت در قبال کشورهای این قاره، وظیفه اصلی سیاستگذاران ایرانی، به خصوص در وزارت امور خارجه است. جمهوری اسلامی در زمینه گسترش روابط با آفریقا نیازمند تعیین خطمشی و روش اجرایی در زمینه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. تاکنون، نگرش سیاست خارجی به آفریقا، گسترش

روابط از طریق کمک‌های اقتصادی بوده است؛ اما در آینده، این روش نباید تنها روش موجود تلقی شود. در واقع نیاز آفریقا به کمک‌های مالی و اقتصادی نباید تنها عامل مشوق برای گسترش روابط باشد؛ اگرچه این نکته به معنای نفی همه‌جانبه ضرورت اعطای برخی کمک‌های بشردوستانه نیست. در آفریقا باید به دنبال نوعی همکاری اقتصادی بود؛ به نحوی که این همکاری در عین سودمندی برای ایران، روند توسعه اقتصادی در کشورهای آفریقایی را نیز تسریع کند. همکاری مشترک ایران و کینه در زمینه استخراج بوکسیت می‌تواند الگوی خوبی برای این نوع مشارکت باشد. عوامل زیر از ضرورت‌های همکاری با قاره آفریقا می‌باشد:

۱. نزدیکی مسافت این قاره، به‌ویژه کشورهای شرق این قاره به ایران؛
۲. بازارهای فروش محصولات در بعد صادرات نفتی و غیرنفتی و مزیت نسبی کالاهای ایرانی برای فروش در این بازار؛
۳. وجود زمینه‌های سیاسی، سوابق و مناسبات تاریخی و حسن ظن عمومی کشورهای آفریقایی به برقراری مناسبات مختلف با ایران؛
۴. وجود عوامل محرک در رشد اقتصادی آفریقا، مانند کمک‌های توسعه‌ای؛
۵. کاهش منازعات داخلی و برقراری امنیت در قاره؛
۶. ارائه دستورالعمل یکپارچه برای حضور در این قاره از طریق اتحادیه آفریقا و طرح مشارکت نوین برای توسعه آفریقا (نیاد)؛
۷. گسترش همکاری‌های دوجانبه و منطقه‌ای از طریق هیئت‌های مشترک و نشست‌های مختلف با قاره آفریقا؛
۸. وجود ۵۴ واحد سیاسی و عضویت این کشورها در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و برخورداری از آرای آنان در مجامع بین‌المللی.

### فرصت‌های حضور ایران در قاره آفریقا

نقش بین‌المللی آفریقا در سیاست خارجی ایران نیز اهمیت چشمگیر و مؤثری دارد. آفریقا دارای ۵۴ کشور مستقل است که همگی در سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های بین‌المللی عضویت دارند؛ نزدیک به یک‌سوم اعضای سازمان ملل را کشورهای آفریقایی تشکیل می‌دهند. به همین سبب کشورهای جهان برای پیشبرد هدف‌های بین‌المللی خود به آرای کشورهای آفریقایی نیاز دارند. علاوه بر این، بسیاری از کشورهای آفریقایی در جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی، اوپک و دیگر نهادهای

مؤثر بین‌المللی عضویت دارند. در دوران جنگ هشت‌ساله ایران و عراق، به‌ویژه پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی دو کشور، کشورهای آفریقایی اهمیتی دوچندان در سیاست خارجی ایران پیدا کردند.

برخورداری از حمایت کشورهای آفریقایی در مجامع بین‌المللی، از جمله مسائل هسته‌ای، حقوق بشر، توسعه مناسبات با اتحادیه آفریقا و سازمان‌های منطقه‌ای، تعمیق همکاری‌ها با کشورهای حاشیه اقیانوس هند و جنبش عدم تعهد، افزایش تعداد نمایندگی‌های سیاسی ایران در آفریقا و تشویق دیگر کشورهای آفریقایی به گشایش سفارت در تهران، افزایش رفت و آمدها در سطوح مختلف همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آفریقایی از موارد گسترش روابط بوده است.

- همکاری با اتحادیه آفریقا

- تقویت رابطه جنوب - جنوب

پس از انقلاب اسلامی، روابط بین ایران و آفریقا براساس جهان‌بینی اسلامی، حمایت از جنبش‌های آزادیبخش، مبارزه با حکومت نژادپرست و حمایت از مبارزات ضدنژادپرستی مردم آفریقا، تقویت همکاری‌های جنوب - جنوب و... استوار بود. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران با اعزام هیئت‌های سیاسی و فرهنگی به آفریقا و پذیرش متقابل هیئت‌های آفریقایی به گسترش روابط اقدام کرد. ایران توانسته است با توسعه روابط اقتصادی و سیاسی‌اش تا حدودی از آرای این کشورها در سازمان‌های بین‌المللی استفاده کند؛ اما به‌علت نداشتن سیاست مدوّن و دقیقی در مورد آفریقا، تا حدودی ناموفق بوده است.

دستیابی به اهداف چشم‌انداز از طریق تجزیه و تحلیل استراتژیک برمبنای

ماتریس SWOT

(Strengths; Weaknesses; Opportunities; Threats)

نقاط ضعف (W)	نقاط قوت (S)	محیط داخلی
		محیط خارجی
استراتژی‌های WO	استراتژی‌های SO	فرصت‌ها (O)
استراتژی‌های WT	استراتژی‌های ST	تهدیدها (T)

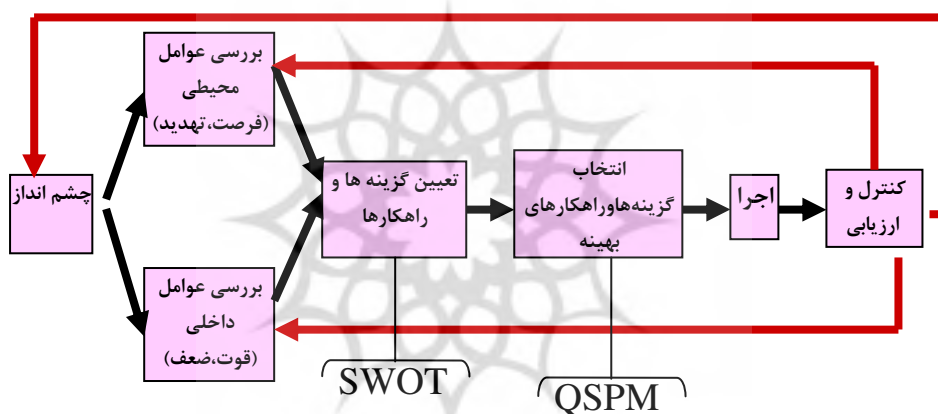
براساس این ماتریس هر کشور در تلاش است تا با تدوین استراتژی‌هایی از نقاط قوت و فرصت خود به خوبی استفاده نماید و بر نقاط ضعف و تهدید غلبه نماید. در این راستا استراتژی‌های زیر قابل تدوین است:

استراتژی SO: این استراتژی می‌تواند یک حالت هم‌افزایی در کشور ایجاد کند. هر کشوری مایل است در این موقعیت قرار داشته باشد تا بتواند با بهره‌گیری از توانمندی‌ها، استفاده از فرصت‌ها را به حداکثر برساند.

استراتژی WO: هدف این راهبرد، کاهش ضعف‌ها و افزایش فرصت‌هاست. گاه کشورها به دلیل داشتن ضعف‌های اساسی، امکان استفاده از فرصت‌های به‌دست‌آمده را ندارند؛ از این‌رو، کاهش ضعف‌ها، می‌تواند کشور را در استفاده از فرصت‌ها توانمند کند.

استراتژی ST: این استراتژی براساس توانمندی کشور در مقابل تهدیدها بنا شده است.

استراتژی WT: هدف این راهبرد، کاهش ضعف‌ها و تهدیدها تا حد امکان است.



حال با توجه به مطالب ارائه شده، این مقاله درصد است تا ماتریس سوات را در ایران و قاره آفریقا ترسیم نماید و از طریق آن به بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی ایران در محیط خارجی و همچنین نقاط قوت و ضعف در محیط داخلی بپردازد و سپس با توجه به استراتژی‌های فوق راهکارهایی برای استفاده از فرصت‌ها و قوت‌ها و غلبه بر ضعف‌ها و تهدیدها ارائه نماید.

### محیط داخلی ایران (قوت‌ها و ضعف‌ها)

#### الف: قوت‌ها

ایران یکی از مهم‌ترین کشورهای جهان، به‌لحاظ استراتژیکی و ژئوپلیتیکی است. از قوت‌های آن می‌توان به همسایگی با پانزده کشور در مرزهای خاکی و آبی اشاره کرد. این کشور، دومین دارنده ذخایر نفت خام در جهان پس از عربستان سعودی و دومین

- دارنده ذخایر گاز جهان پس از فدراسیون روسیه است. طبیعت عمومی ساختار قدرت در نظام جمهوری اسلامی ایران روشن و مانند سایر کشورهاست؛ اما ظرافت‌ها و پیچیدگی‌هایی دارد که بیشتر باید بدان‌ها توجه کرد:
۱. داشتن چشم‌انداز بیست‌ساله و وفاق بر آن؛
  ۲. موقعیت ژئوپلیتیکی کم‌نظیر کشور در جهان (ایران در محل تلاقی سه قاره و همسایگی با پانزده کشور قرار دارد)؛
  ۳. تعامل دوستی و نوع‌دوستی مردم ایران؛
  ۴. وجود میراث کهن و باارزش تاریخی، فرهنگی و طبیعی؛
  ۵. امنیت داخلی کشور؛
  ۶. فرهنگ غنی اسلامی؛
  ۷. برخورداری از ذخایر غنی هیدروکربوری و معدنی و نیاز کشورهای دیگر به آن‌ها؛
  ۸. تنوع اقلیمی و وسعت سرزمینی.

...

### ضعف‌ها

به‌اجمال می‌توان از موقعیت ژئوپلیتیک ایران، وفور همسایگانی که در موقعیت‌های بحرانی عامل مؤثری در حفظ امنیت و ارتباطات کشور هستند، ساختار سیاسی مناسب ایران و بی‌شماری گلوگاه‌های تصمیم‌گیری در بخش سیاست خارجی کشور به‌عنوان قوت‌های ایران یاد کرد. در عین حال، ایران ضعف‌هایی نیز دارد. تأخیر در طراحی راهبردهای مورد نیاز برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی، جابه‌جایی بی‌دلیل مدیران و سفیران در حوزه سیاست خارجی، بی‌توجهی دولت به برنامه‌ریزی و اجرای منظم طرح‌ها در روابط خارجی و نبود دیدگاه مشترک در درک تحولات بیرون از کشور در دستگاه‌های ذی‌ربط از ضعف‌های دولت ایران است.

ذهنیت منفی مردم ایران نسبت به قاره آفریقا که ناشی از عدم شناخت درست از این قاره است. از ضعف‌های بنیادین می‌باشند. واژه آفریقا در نظر مردم ایران تداعی‌کننده فقر، محرومیت، خشکسالی، کودتا، جنگ، عقب‌ماندگی، استعمار، ایدز و... می‌باشد. میانگین نظر ایرانیان به آفریقا بد است و در این خصوص، بیشتر، نگرش ایرانیان به آفریقا گزینشی و تابع اطلاعات حاصل از روزنامه‌ها و تصاویر تلویزیونی اطلاعات خبری (منازعات و حوادث بد سیاسی) است. این در حقیقت یک روی سکه

است؛ زیرا از طرف دیگر، این قاره سرشار از منابع بکر و غنی و اراضی حاصلخیز است که بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکایی چه در زمان استعمار و چه پس از آن به آن نظر داشته و دارند؛ به نحوی که قرن ۲۱ را قرن آفریقا نام نهاده و در تلاش‌اند برای تداوم حیات صنعتی و افزایش منافع ملی خود از این قاره بهره‌برداری کنند.

برای غلبه بر این موضوع، باید از طریق اطلاع‌رسانی درست، تلاش شود دیدگاه و ذهنیت منفی مردم ایران به تدریج تغییر کند و اصلاح شود. دست‌اندرکاران امور باید قبل از هر چیز باورهای فرهنگی و اقتصادی خود را در مسیر آفرینش زمینه‌های ارتباط طبیعی با آفریقا بارور کند. جامعه ایران متأسفانه هنوز متأثر از تبلیغات منفی غرب در مورد آفریقا است و تا این تبلیغات پایان نپذیرد، در ارتباط و پیوند با جامعه آفریقایی دچار مشکلات جدی خواهد بود. در این زمینه، نقش رسانه‌های گروهی و مدیران مطبوعات بسیار اهمیت دارد. از سوی دیگر، مردم و دولت‌های آفریقایی شاهد تبلیغات گسترده استکبار جهانی علیه روابط جمهوری اسلامی ایران با آفریقا هستند. دولت ایران برای مبارزه با این تبلیغات باید صداقت خود را در گسترش روابط با آفریقا نشان دهد. ارائه الگوهای مناسب برای حل مشکلات اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی و همکاری برای توسعه کشورهای این قاره از مهم‌ترین اقدامات جمهوری اسلامی است. دیگر ضعف‌های ایران در برقراری روابط با قاره آفریقا بدین شرح است:

۱. نداشتن شناخت کافی مردم و مسئولان از این قاره و داشتن ذهنیت منفی و در نتیجه ناآگاهی از فرصت‌ها و موقعیت‌های آفریقا؛
۲. نبود استراتژی مدون در روابط با قاره آفریقا و وجود برنامه‌های کوتاه‌مدت و دولت‌محور؛
۳. عدم استمرار سیاست‌ها و دولت‌محور بودن آن‌ها (لزوم استمرار و ثبات در روابط خارجی)، مانند بستن سفارتخانه‌ها در قاره آفریقا و یا تعطیلی مراکز فعالیت جهاد سازندگی؛
۴. نبود بودجه کافی برای طرح‌های اقتصادی و فرهنگی؛
۵. اختلاف نظر و تنوع متولیان و بی‌انسجامی در فعالیت‌ها؛
۶. بهره‌برداری نکردن از تجارب دیگر کشورها؛
۷. ایجاد روابط یک‌سویه با بعضی کشورها؛
۸. حضور پررنگ و همه‌جانبه کشورهای توسعه‌یافته همراه با برنامه در این قاره؛



۹. تبلیغات منفی رسانه‌های غربی در مورد حضور و فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران؛
  ۱۰. سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌ها توسط نهادهای گوناگون و عدم هماهنگی بین آن‌ها؛
  ۱۱. عدم بازپرداخت بدهی‌های بعضی کشورها به ایران؛
  ۱۲. اجرایی نشدن بسیاری از تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهای بین ایران و آفریقا از طرف ایران به علت همکاری نکردن بسیاری از سازمان‌ها؛
  ۱۳. جوان بودن حضور تفکر اقتصادی در بازارهای خارج از کشور و عدم سرمایه‌گذاری طولانی مدت؛
  ۱۴. شرایط سخت بانک‌ها برای اعطای تسهیلات؛
  ۱۵. بروکراسی گسترده اداری؛
  ۱۶. امضا نکردن موافقت‌نامه‌های قانونی تسهیل‌کننده حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی متقابل و اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در بیشتر کشورهای آفریقایی (دامن پاک جامی، ۱۳۸۵)؛
  ۱۷. نبود تعریفی جامع از منافع ملی؛
  ۱۸. تعامل ناپذیری برخی مسئولان نظام.
- ...

### محیط خارجی (آفریقا) (فرصت‌ها و تهدیدها)

#### الف: فرصت‌ها

۱. امکان صادرات کالاها و محصولات ایران و ایجاد بازار مصرف و فروش کالاهای ایرانی با توجه به جمعیت ۹۰۰ میلیونی؛
۲. وجود جمعیت ۵۰ درصدی مسلمان و عضویت بیش از نیمی از کشورهای این قاره در سازمان کنفرانس اسلامی؛
۳. وجود نداشتن سابقه استعماری در قاره آفریقا از سوی ایران؛
۴. روحیه ضداستعماری و حمایت از مبارزات ضداستعماری و استکباری؛
۵. نگرش مثبت بسیاری از دولت‌ها و ملت‌های آفریقایی به ایران با توجه به سابقه تاریخی مثبت؛

۶. حضور فعال مؤثر و هرچه اندک بسیاری از سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها در قاره آفریقا (وزارت امور خارجه، جهاد سازندگی، هلال احمر، سازمان مدارس و حوزه‌های علمیه، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، بخش خصوصی و...)
۷. امکان همکاری‌های علمی، فنی و... بین ایران و قاره آفریقا و اعزام نیروی کار و متخصصان؛
۸. توسعه روابط جنوب - جنوب؛
۹. وجود ظرفیت‌های متعدد در راستای همکاری‌ها و گسترش بازارها و سرمایه‌گذاری‌های مشترک منطقه‌ای و جهانی؛
۱۰. تأسیس اتحادیه آفریقا و فعال کردن نهادهای زیرمجموعه آن، مانند شورای صحیح و امنیت و پارلمان و کمیسیون‌های تخصصی؛
۱۱. تدوین برنامه مشارکت نوین برای توسعه آفریقا (نیاد)؛
۱۲. تدوین طرح حکومت مطلوب؛
۱۳. کاهش منازعات و بحران‌ها در سال‌های اخیر؛
۱۴. رشد اقتصادی مثبت در چند سال اخیر؛
۱۵. نیاز کشورهای آفریقایی به بهره‌مندی از تجارب ایران در حوزه صنایع، به‌ویژه نفت و گاز.

#### ب: تهدیدها

۱. فقر و گسترش ایدز: نیمی از جمعیت این قاره با درآمد کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند و ۳/۴ مبتلایان به ایدز در این قاره وجود دارند.
۲. تجارت نابرابر: این قاره علی‌رغم دارا بودن معادن غنی تنها کمتر از ۲ درصد تجارت جهانی را به‌خود اختصاص داده است؛ در حالی که این قاره ۳۵ درصد کبالت، ۴۶ درصد کروم، ۴۸ درصد پلاتینیوم و الماس، ۳۰ درصد طلا و... را در اختیار دارد.
۳. اقتصاد تک‌محصولی: از مجموع کشورهای آفریقایی سی کشور، دارای اقتصاد تک‌محصولی یا حداکثر دو محصول عمده صادراتی را در اختیار دارند که تأثیرات زیادی بر برنامه‌ریزی توسعه این کشورها دارد.

۴. عدم پایبندی بعضی از کشورها به اصول دمکراتیک: سهم نکردن گروه‌های نژادی و قومی مخالف دولت در قدرت و ثروت که این مسئله می‌تواند نیروی بالقوه برای منازعات قوی و یا جنگ داخلی باشد.
۵. بحران بدهی: بسیاری از کشورهای آفریقایی دچار بدهی‌های سنگینی هستند که بازپرداخت اصل و بهره این وام‌ها که بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار برآورد شده در حدود ۳۰ درصد از GNP این قاره را سالانه به خود اختصاص داده است؛ در حالی که با بخشش این بدهی‌ها از سوی نهادهای بین‌المللی و کشورهای کمک‌کننده می‌تواند به رشد اقتصاد این قاره کمک کند. مشاور ویژه دبیرکل سازمان ملل در آفریقا حل مشکلات این قاره را در رفع این سه اصل: محدودیت دسترسی کالای کشورهای آفریقایی با قیمت مناسب‌تر در بازارهای جهانی، ایدز و بدهی می‌داند و معتقد است اگر این موانع برطرف شود، این قاره به رشد اقتصادی دست خواهد یافت. همچنین نقش سازمان‌های منطقه‌ای این قاره را در امنیت منطقه تحسین می‌کند و معتقد است بحران‌های قاره در حال حاضر (۲۰۰۴) به پنج بحران در کشورهای سودان، لیبیا، بروندي، ساحل عاج و کنگو، تقلیل یافته است؛ در حالی که در سال ۱۹۹۸ م. این قاره به هفده بحران مبتلا بود (www. AllAfrica. Comnews 17/10/2004).
۶. تمایل نداشتن کشورهای پیشرفته به تبدیل شدن ایران به کانون توجه و تلاش برای کاهش نقش منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و ممانعت از الگوگیری دیگر ملت‌ها و فشار مضاعف بر جریان‌های ناب، با استفاده از توان تبلیغاتی کشورهای پیشرفته؛
۷. وجود رقبا و تلاش آن‌ها برای جلوگیری از فعالیت‌های جمهوری اسلامی؛
۸. اجرا نکردن بسیاری از موافقت‌نامه‌ها و کمرنگ شدن اعتماد طرف آفریقایی به وعده‌ها از سوی ایران؛
۹. تلاش آمریکا برای ایجاد تفرقه در جهان اسلام و ایجاد شکاف بین اسلام و مسیحیت. در مجموع علاوه بر سران کشورهای آفریقایی، نظام بین‌الملل نیز دریافته است که قاره آفریقا را نمی‌توان به‌علت منافع اقتصادی و سیاسی آن به فراموشی سپرد. در نتیجه، پس از جنگ سرد، نظام سرمایه‌داری نیز دریافته که برای گسترش بازار، اولین اصل، امنیت است و تا زمانی که نتوان امنیت را برقرار کرد، منافع زیادی نصیب سرمایه‌داری نمی‌شود؛ پس می‌بایست برای برقرار کردن امنیت در این قاره تلاش کرد. اجماع نظام سرمایه‌داری به‌همراه آگاهی کارگزاران آفریقایی برای حل مشکلات این قاره آینده

درخشانی را برای آفریقا به ارمغان خواهد آورد؛ چنان که این قاره می‌تواند در آینده در مقام یک مدعی نقش مؤثری در جهان داشته باشد (World Bank, 2000: 7).

### نتیجه‌گیری

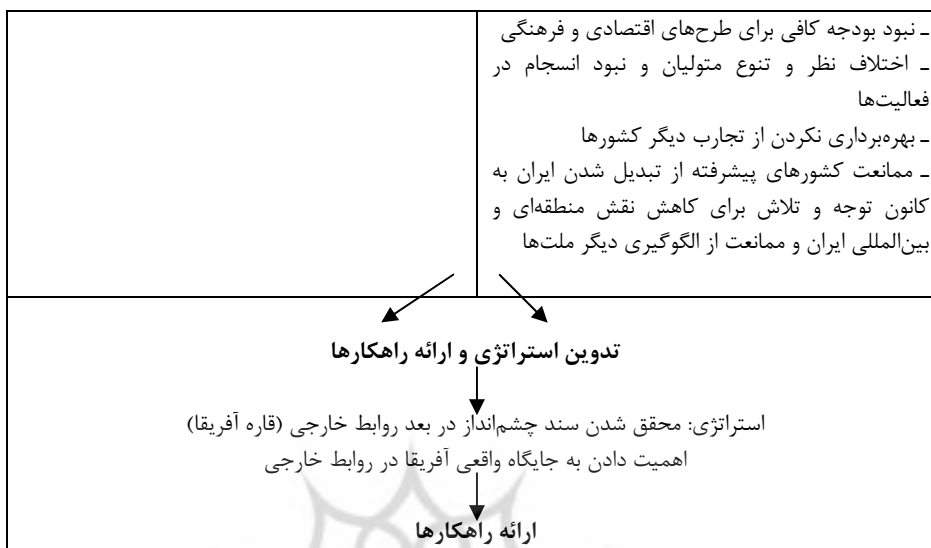
هر واحد سیاسی در روابط خارجی خود استراتژی مدوئی دارد که به برنامه‌ها و اهداف آن در یک دوره زمانی کمک می‌کند. جمهوری اسلامی علی‌رغم یک سری اصول شفاف در قانون اساسی و تدوین برنامه‌های توسعه در کشور، فاقد یک خطمشی و برنامه بلندمدت تا سال ۱۳۸۲ بود و تا آن زمان سیاست خارجی تابعی از تحولات داخلی و خارجی، مانند انقلاب، جنگ، فراز و نشیب در روابط با غرب، سازندگی و... بود. با تصویب سند چشم‌انداز، برنامه‌ای برای کارگزاران داخلی و خارجی تدوین شد که آنان را موظف می‌کرد تا براساس آن عمل کنند.

در مورد روابط خارجی، به‌ویژه با آفریقا - که موضوع این تحقیق است - علی‌رغم گسترش همکاری‌ها در زمینه‌های مختلف با این قاره، هنوز روابط به حد مطلوبی نرسیده است. مبادلات تجاری (صادرات غیرنفتی) ۶۰۰ میلیون دلار بین طرفین خود نشان از ناکافی بودن روابط است. متأسفانه قاره آفریقا در بسیاری از سیاستگذاری‌های ایران در رده آخر قرار دارد؛ این در حالی است که براساس قانون اساسی، این قاره دارای سه شاخصه از چهار شاخصه روابط خارجی است (کشورهای اسلامی، جهان سوم و کشورهایی که به‌نحوی نیازهای طرفین را برطرف نمایند). البته این سخن بدین معنا نیست که به دیگر مناطق جهان توجه نشود، بلکه به معنای آشکار ساختن جایگاه واقعی این قاره در سیاست خارجی ایران است.

این تحقیق با استفاده از ماتریس SWOT، ضمن بررسی قوت‌ها و ضعف‌های جمهوری اسلامی در عرصه داخلی و خارجی و همچنین فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی جمهوری اسلامی در قاره آفریقا، راهکارهایی را در این خصوص ارائه کرده است.

جدول شماره ۷: ماتریس سوات و چشم انداز روابط ایران و آفریقا

محیط خارجی (قاره آفریقا)	محیط داخلی (ایران)
<p><b>فرصت‌ها:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- گسترش همگرایی منطقه‌ای و قاره‌ای</li> <li>- آگاهی کارگزاران به مسایل و مشکلات مبتلا به قاره و چاره‌اندیشی برای آن</li> <li>- تأسیس اتحادیه آفریقا و فعال کردن نهادهای زیرمجموعه آن مانند شورای صحیح و امنیت و پارلمان و کمیسیون‌های تخصصی</li> <li>- تدوین برنامه مشارکت نوین برای توسعه آفریقا (NEPAD)</li> <li>- تدوین طرح حکومت مطلوب (APRM)</li> <li>- وجود فرهنگ اسلامی در بین بیش از نیمی از مردم این قاره</li> <li>- نداشتن سابقه استعماری ایران در قاره آفریقا</li> <li>- وجود ظرفیت‌های متعدد در راستای همکاری‌ها و گسترش بازارها و سرمایه‌گذاری‌های مشترک منطقه‌ای و جهانی</li> <li>- وجود بازار مناسب برای محصولات صنعتی و کشاورزی ایران در این منطقه</li> <li>- کاهش منازعات و بحران‌ها در سال‌های اخیر</li> <li>- رشد اقتصادی مثبت در چند سال اخیر</li> <li>- نیاز کشورهای آفریقایی به بهره‌مندی از تجارب ایران در حوزه صنایع، به‌ویژه نفت و گاز</li> </ul>	<p><b>قوت‌ها:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- داشتن چشم‌انداز بیست‌ساله و وفاق بر آن</li> <li>- موقعیت ژئوپلیتیکی کم‌نظیر کشور در جهان (ایران در محل تلاقی سه قاره و همسایگی با پانزده کشور قرار دارد)</li> <li>- تعامل دوستی و نوع‌دوستی مردم ایران</li> <li>- وجود میراث کهن و باارزش تاریخی، فرهنگی و طبیعی</li> <li>- امنیت داخلی کشور</li> <li>- فرهنگ غنی اسلامی</li> <li>- برخورداری از ذخایر غنی هیدروکربوری و معدنی و نیاز کشورهای دیگر به آن‌ها</li> <li>- تنوع اقلیمی و وسعت سرزمینی</li> <li>- موقعیت جغرافیایی ایران برای ترانزیت کالاهای آفریقا به آسیای مرکزی و قفقاز</li> </ul>
<p><b>تهدیدها:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- فقر و گسترش ایدز</li> <li>- تجارت نابرابر</li> <li>- اقتصاد تک‌محصولی</li> <li>- عدم پایداری بعضی از کشورها به اصول دموکراتیک و عدم سهیم کردن گروه‌های نژادی و قوی مخالف دولت در قدرت و ثروت.</li> <li>- بحران بدهی</li> <li>- وجود رقبا و سنگ‌اندازی آنان برای گسترش روابط</li> <li>- عدم اجرای بسیاری از موافقت‌نامه‌ها و کم‌رنگ شدن اعتماد طرف آفریقایی نسبت به وعده‌ها از طرف ایران</li> </ul>	<p><b>ضعف‌ها:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- نبود تعریفی جامع از منافع ملی</li> <li>- دولت‌محوربودن برنامه‌ها و طرح‌ها</li> <li>- عدم تعامل‌پذیری برخی از مسئولان نظام</li> <li>- بروکراسی اداری</li> <li>- عدم شناخت کافی مردم و مسئولان از این قاره</li> <li>- نبود استراتژی مدون درباره ارتباط با قاره آفریقا و وجود فراز و نشیب در روابط</li> <li>- استمرار نداشتن سیاست‌ها و دولت‌محوربودن آن‌ها (لزوم استمرار و ثبات در روابط خارجی) مانند بستن سفارتخانه‌ها در قاره آفریقا و یا تعطیلی مراکز فعالیت جهاد سازندگی</li> <li>- اجرایی نشدن موافقت‌نامه‌ها و یادداشت تفاهم‌ها</li> </ul>



پس از بررسی نقاط قوت و ضعف و شناخت فرصت‌ها و تهدیدها باید به تدوین استراتژی‌های حضور و تبدیل نقاط ضعف به قوت و کم کردن تهدیدها و افزایش فرصت‌ها اقدام کرد در این راستا، در جدول زیر استراتژی‌های پیشنهادی برای حضور موثر در قاره آفریقا آورده شده است:

W: نقاط ضعف	S: نقاط قوت	عوامل داخلی
<ul style="list-style-type: none"> <li>● وابستگی بودجه به درآمدهای نفت</li> <li>● بهره‌وری پایین نیروی انسانی</li> <li>● تغییرات دولتها در کشور و تاثیر آن بر سیاست‌های قبلی</li> <li>● پایین بودن بودجه اختصاصی</li> <li>● نگرش منفی و یا کم‌اولویت به آفریقا (تصویر از آفریقا در جامعه)</li> <li>● عدم اختصاص بودجه‌های پژوهشی مناسب به نهادهای مرتبط برای فعالیت در آفریقا</li> <li>● فرهنگ تجاری ایران</li> <li>● وجود نهادهای و سازمانهای متعدد با استراتژیهای مختلف و بعضاً متعارض</li> <li>● عدم وجود استراتژی کلان ملی</li> </ul>	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. کشور دارای سند چشم‌انداز می‌باشد.</li> <li>۲. تاکید مقامات عالرتبه دولتی بر استراتژی جنوب- جنوب</li> <li>۳. عدم پیشینه استعماری ایران</li> <li>۴. اشتراکات دینی و فرهنگی مشترک</li> <li>۵. سابقه تاریخی مثبت حضور ایرانیان در این قاره</li> <li>۶. همگرایی اصول و اهداف این کشورها با اهداف مصرح در قانون اساسی</li> <li>۷. اشتراکات در کشورهای در حال توسعه</li> <li>۸. استعمار ستیزی و مبارزه با استعمار</li> </ol>	

<p>(مورد توافق تمام سازمانها) در مورد کار با قاره آفریقا</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>● وعده های غیرمتناسب با امکانات</li> <li>● بروکراسی پیچیده و زمان بر</li> <li>● عدم صدور کالاهای با کیفیت از سوی تجار</li> <li>● بی ثباتی در محیط اقتصاد کلان کشور</li> <li>...</li> </ul>	<p>۹. عضویت در سازمانهای منطقه‌ای و جهان اسلام: سازمان کنفرانس اسلامی- سازمان کشورهای حاشیه اقیانوس هند، عضویت ناظر ایران در اتحادیه آفریقا و همچنین دیگر بلوک بنسبدهای کشورهای در حال توسعه</p> <p>...</p>	<p>عوامل خارجی</p>
<p><b>استراتژی های مبتنی بر نقاط ضعف و فرصتها (WO)</b></p> <p>با بهره جستن از فرصت ها نقاط ضعف را از بین ببرید</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>۱. تدوین استراتژی در حوزه روابط با قاره آفریقا</li> <li>۲. فراهم نمودن زمینه های افزایش شناخت ایرانیان و آفریقاییها از فرصتها ی پیش رو</li> <li>۳. تدوین برنامه های چند ساله ( میان مدت و بلند مدت با کشورهای قاره و اتحادیه آفریقا)</li> <li>۴. دادن وعده و امضای تفاهم نامه های قابل اجرا</li> <li>۵. حذف بروکراسی پیچیده و ایجاد علاقه و آشنایی در کارکنان</li> <li>۶. برقراری خطوط هوایی و دریایی ( با برنامه های منظم) با کشورهای قاره</li> <li>۷. حمایت دولت از کاهش ریسک سرمایه گذاری و صدور کالا</li> <li>۸. توجه ویژه به نیروی انسانی و علاقه مندان به کار با این قاره</li> </ol>	<p><b>استراتژی های مبتنی بر نقاط قوت و فرصتها (SO)</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>● بهره گیری از حضور تاریخی و غیر استعماری برای گسترش روابط همه جانبه</li> <li>● فروش محصولات ایرانی در کشورهای قاره</li> <li>● حضور میدانی و خنثی نمودن تبلیغات رقبا و دشمنان</li> <li>● صدور کالا با هزینه اندک ( نزدیکی جغرافیایی با شرق قاره)</li> <li>● تامین مواد اولیه صنایع با هزینه پایین</li> <li>● استفاده از آرای کشورهای آفریقایی در مجامع بین المللی</li> <li>● استفاده از بخش خصوصی و حمایت از آنها</li> </ul>	<p><b>○ فرصت ها</b></p> <ol style="list-style-type: none"> <li>۱. کشور دارای سند چشم انداز می باشد.</li> <li>۲. تامین نیازهای اقتصادی و سیاسی طرفین</li> <li>۳. بازار مناسب برای کالاهای ایران</li> <li>۴. وجود منابع و معادنی که نیازهای کارخانجات و صنایع ایران را برطرف می کند</li> <li>۵. نزدیکی جغرافیایی و کاهش قیمت کالاها و مواد وارداتی</li> <li>۶. رشد مستمر داخلی برای تقاضای مواد معدنی مورد نیاز صنایع</li> <li>۷. وجود بازار فروش نفت ایران</li> <li>۸. همگرایی دینی و ایدئولوژیک</li> </ol>

استراتژی های مبتنی بر نقاط ضعف و تهدیدها (WT)	استراتژی های مبتنی بر نقاط قوت و تهدیدها (ST)	T تهدیدها
<ul style="list-style-type: none"> <li>● ارتقا کیفیت و تنوع محصولات متناسب با فرهنگ آفریقایی</li> <li>● تاکید بر اختصاص بودجه های پژوهشی مناسب</li> <li>● توجه به بازار یابی استراتژیک</li> <li>...</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● همکاری بیشتر در سازمان های منطقه ای و بین المللی</li> <li>● همکاری های چند جانبه و کمک های توسعه ای برای بهبود زیر ساختارهای کشور های آفریقایی</li> <li>● ورود به عرصه های غیر رقابتی</li> <li>● عملیاتی کردن قراردادهای تفاهم نامه های دو و چند جانبه</li> <li>● ارائه خدمات پس از فروش کالاهای صادراتی به این قاره</li> <li>....</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● تغییرات حاکمیت سیاسی کشورهای آفریقایی</li> <li>● بی ثباتی محیط سیاسی منطقه</li> <li>● رقبای سر سخت و نوظهور</li> <li>● اختلافات ایدئولوژیکی با بعضی از رقبای خارجی در قاره</li> <li>● عدم عضویت ایران در WTO</li> <li>● کمبود زیر ساختارها در بعضی از کشورهای این قاره</li> <li>...</li> </ul>

### راهکارها

۱. گسترش همکاری های دوجانبه و بین المللی به منظور: بهره گیری از روابط با کشورهای آفریقایی برای افزایش توان ملی، تقویت روابط سازنده با کشورهای غیرمتخاصم و مقابله با افزونخواهی کشورهای متخاصم، ادامه پرهیز از تشنج در روابط با کشورها، مقابله با تک قطبی شدن جهان، حمایت از مسلمانان و ملت های مظلوم، تلاش برای همگرایی بیشتر با کشورهای اسلامی؛ تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل؛ تحکیم روابط با جهان اسلام و ارائه تصویر روشن از انقلاب اسلامی و تبیین دستاوردها و تجربیات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی و معرفی فرهنگ غنی و هنر و تمدن ایرانی و مردم سالاری دینی، تلاش برای تبدیل مجموع کشورهای اسلامی و دوست به یک قطب منطقه ای اقتصادی، علمی، فناوری و صنعتی؛
۲. بهره گیری از روابط سیاسی با کشورها برای نهادینه کردن روابط اقتصادی و افزایش جذب منابع؛
۳. سرمایه گذاری خارجی و فناوری پیشرفته و گسترش بازارهای صادراتی ایران و افزایش سهم ایران از تجارت با قاره آفریقا؛



۴. تنظیم و اعطای کمک‌های توسعه‌ای رسمی به کشورهای آفریقایی به‌منظور ایجاد بازار برای کالاهای ایرانی و صدور خدمات فنی و مهندسی در چارچوب قوانین بودجه‌های سالانه؛
۵. تقویت و تسهیل حضور فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مجامع جهانی و سازمان‌های فرهنگی - بین‌المللی؛
۶. هماهنگی بخش‌های بین‌المللی کلیه دستگاه‌های اجرایی به‌منظور پیشبرد اهداف سیاست خارجی کشور؛
۷. ایجاد وحدت راهبردی بین اسلام و مسیحیت از طریق اندیشمندان طرفین؛
۸. ایجاد وحدت راهبردی بین شیعه و سنی؛
۹. تقویت سهم ایران در اطلاع‌رسانی؛
۱۰. حضور فعال‌تر در پیمان‌های منطقه‌ای موجود؛
۱۱. تدوین سیاست‌ها و قوانین مربوط به تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی؛
۱۲. استفاده از ظرفیت و تجربه تاجران، بازرگانان، سفیران و رایزنان سابق و فعلی؛
۱۳. تأسیس دانشگاه‌های بین‌المللی و جذب دانشجویان از کشورهای منطقه؛
۱۴. تبادل استاد و دانشجو؛
۱۵. تولید فیلم‌های غنی با هدف تأثیرگذاری بر ذهنیت مردم ایران به قاره آفریقا و عکس آن؛
۱۶. تقویت سفارتخانه‌ها و رایزنی‌های ایران در زمینه فرهنگی، اقتصادی، علمی و فناوری و...؛
۱۷. تبادل دانش فنی و آموزش روش‌های نوین تولید کالا و خدمات با یکدیگر؛
۱۸. ارتقای کیفیت کالاها و خدمات مورد مبادله طرفین؛
۱۹. توسعه مبادله محصولات فرهنگی، هنری صنایع دستی بین طرفین؛
۲۰. تسهیل روابط بانکی و افزایش حمایت مالی از نگاه‌های اقتصادی یکدیگر و نیز توسعه روابط کارگزاری‌های بانکی و ایجاد شعب بانکی؛
۲۱. تسهیل روش‌ها و افزایش پوشش‌های بیمه و صندوق ضمانت صادرات بین طرفین؛
۲۲. اطلاع‌رسانی از فرصت‌های سرمایه‌گذاری به یکدیگر و تسهیل قوانین و حمایت از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی؛
۲۳. توسعه خطوط حمل و نقل بین ایران و آفریقا با شرایط مناسب در جهت تسهیل تجاری؛

۲۴. حمایت و سازماندهی فعالان صنعت گردشگری بین کشورها؛
۲۵. تسهیل خدمات گمرکی در خصوص توسعه روابط اقتصادی و بازرگانی؛
۲۶. ایجاد شرکت‌های مشترک تولیدی، بازرگانی و خدمات فنی و مهندسی؛
۲۷. مشارکت فعالان بنگاه‌های اقتصادی جهت حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی طرفین و نیز همکاری با برگزاری نمایشگاه‌های تخصصی و اختصاصی؛
۲۸. راه‌اندازی رایزنان بازرگانی؛
۲۹. گسترش همگرایی منطقه‌ای و قاره‌ای؛
۳۰. آگاهی کارگزاران به مسائل و مشکلات قاره و چاره‌اندیشی برای آن؛
۳۱. افزایش و تقویت کادر نمایندگی‌ها (کمی و کیفی)؛
۳۲. بهره‌مندی بازرگانان و غیره از مشوق‌ها (موافقت‌نامه‌های اجتناب از اخذ مالیات مضاعف، گمرکی، ترجیحات تجاری، استفاده از کمک‌های توسعه‌ای و...)
۳۳. حمایت از بخش خصوصی؛
۳۴. حضور مستمر و مؤثر در قاره آفریقا و پرهیز از سیاست‌های مقطعی؛
۳۵. هماهنگی بین متولیان و ایجاد شورای گسترش روابط خارجی با آفریقا؛
۳۶. حمایت از مراکز پژوهشی و استفاده از آن برای تدوین استراتژی؛
۳۷. بررسی طرح‌های کوتاه‌مدت و درازمدت کشورهای موفق در امر تجارت در آفریقا؛
۳۸. تأسیس صندوق مشترک سرمایه‌گذاری در آفریقا برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های مشترک عمرانی و خدماتی؛
۳۹. شناسایی تجار آفریقایی علاقه‌مند به همکاری با ایران و معرفی آن‌ها به بازرگانان ایرانی؛
۴۰. بررسی چگونگی کاهش و یا حذف تعرفه‌های کالاهای وارداتی از آفریقا؛
۴۱. تقویت بخش اقتصادی سفارتخانه‌های ایران در آفریقا.

## منابع

- چشم‌انداز بیست ساله ایران، تارنمای مجمع تشخیص مصلحت نظام در [www.maslahat.ir](http://www.maslahat.ir)
- قانون برنامه توسعه چهارم، تارنمای وزارت امور اقتصادی و دارایی در [www.mefa.gov.ir](http://www.mefa.gov.ir)
- **قانون اساسی** (۱۳۷۵)؛ چ ۶، تهران: نشر میزان.
- **گزارش عملکرد سیاست خارجی اسلامی ایران: ۱۳۸۴ - ۱۳۷۶** (۱۳۸۶)؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- وزارت جهاد کشاورزی معاونت امور بین‌الملل و توسعه همکاری‌های آفریقا (۱۳۸۵)؛ **دو دهه فعالیت‌های نمایندگی‌های وزارت جهاد کشاورزی در کشورهای آفریقایی**.
- اکبری، علیرضا (۱۳۸۶/۱۰/۵)؛ «تحلیلی بر محور راهبردی سیاست خارجی در سند چشم‌انداز»، **روزنامه کیهان**؛ س ۶۴، ش ۱۸۹۵۵۴.
- بخشی، احمد، (۱۳۸۷) **بررسی تاریخ روابط خارجی ایران و قاره آفریقا**، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۳۵
- بخشی، احمد (۱۳۸۱ الف)؛ **سازمان‌های منطقه‌ای آفریقا**؛ تهران: مرکز مطالعات آفریقا.
- بخشی، احمد (۱۳۸۱ ب)؛ **سازمان‌های بین‌المللی و فرامنطقه‌ای**؛ تهران: مرکز مطالعات آفریقا.
- پاک‌آیین، محسن (۱۳۷۷)؛ **سیاست و حکومت در آفریقا**؛ تهران: نشر نقطه.
- دامن‌پاک‌جامی، مرتضی (۱۳۸۵)؛ «آفریقا: یک انتخاب درست و حساب‌شده»، در [www.aftab.ir](http://www.aftab.ir)
- مشیری، رحیم (۱۳۸۱)؛ **کلیات قاره‌ها**؛ تهران: قومس.
- موحدی قمی، محسن (۱۳۸۶)؛ **روابط جمهوری اسلامی ایران و قاره آفریقا**؛ تهران: دانشکده روابط بین‌الملل، وزارت امور خارجه.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۷۵)؛ **مواضع سیاست خارجی**؛ تهران: وزارت امور خارجه.
- Turner, Barry (2008); *The States Man s Year Book*; Palgrave.
- NERAD (2001) in: <http://www.nepad.org/2005/files/documents/inbrief.pdf>
- African union (2004); *Strategic plan of the African union*; vol.1, p.62. In [www.africanunion.com](http://www.africanunion.com)
- World Bank (2000); *Can Africa claim 21<sup>st</sup> century*; In: [www.worldbank.com](http://www.worldbank.com)
- [www.allafrica.com/news21/10/2004](http://www.allafrica.com/news21/10/2004)
- Les De Villiers (2008); *Africa 2008*; Business Books International, USA.
- SWOT Analysis In: [http://en.wikipedia.org/wiki/SWOT\\_-\\_analysis](http://en.wikipedia.org/wiki/SWOT_-_analysis)



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی